

تبیینی بر اظهارات رئیس‌جمهور درباره نظام مقدس

تاملی بر مفهوم قدسیت نظام

را بگیرد. این یک نظر است. این نظام فکری و مدیریتی به معنای حاکمیت یک فرد نیست. این امر پویایی و تکامل و تغییر و حرکت به سمت آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها را تسریع می‌کند. آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها نیز از قبل مشخص شده‌اند. یعنی وقتی از بهداشت صحبت می‌کنید، این سیستم می‌گوید باید بهترین نوع بهداشت را داشته باشید مگر جمهوری اسلامی برخلاف این باور دارد؟ در بحث قدرت می‌گوید شما باید برترین و بهترین قدرت را داشته باشید و بهترین اقتدار و بهترین ارتباطات و بهترین تکنولوژی را داشته باشید. چون همه اینها در جایی دیگر نمونه ایده‌آلی دارد. مادر هر وضعیتی که باشیم باز هم به آنجا نرسیده‌ایم. آن فرماندهی لازم است و باید باشد. این سیستم ویژگی‌های چنین فرماندهی را گفته و شاخص داده است که ویژگی‌های فرماندهی چگونه باید باشد. این حلقه بین عرش و فرش در این شاخص‌ها مشخص است که اگر می‌خواهید چنین شخصی را داشته باشید باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد. بنابراین بحث آقای رئیسی بسیار فشرده است و تئوریک بحث نشده و صرفا اصل مطلب را گفته است. این مطلب باید باز و تحلیل شود و توضیح داده شود. نقد آقایان نصیری وزیدآبادی یا حجابیان نشان می‌دهد، آنها برداشت دیگری از این مفهوم دارند که این مسائل را بیان می‌کنند. این بحث را در هر جای دنیا ارائه دهید، حداقل در سه نکته‌ای که من عرض کردم برای هر نکته نگارش چند کتاب لازم است که منظور از اینها چیست و وقتی می‌گویید دین یعنی چه و منظور کدام دین است و این ارتباطات را به چه شکلی می‌توان بیان کرد؟ باید به اینها پرداخته شود.

آقای رئیسی می‌فرماید که رمز قدسیت دفاع و نظام ما اول این است که مبتنی بر دین و کتاب و سنت است و نظام اسلامی که می‌خواهد ارتباطش براساس دین تنظیم شود، مقدس می‌شود. این مهم است که از کلمه «می‌خواهد» استفاده می‌کنند، یعنی نه اینکه الان تمام و کمال همه روابط براساس دین است بلکه می‌خواهد که باشد، این بسیار مهم است. آقای زیدآبادی آن آقای نصیری این «می‌خواهد» را ندیده‌اند، چون در جایی سنگر گرفته‌اند که ما خودمان ساخته‌ایم که این را بعدا عرض می‌کنم. حتما اینجا باید تعریفی از دین ارائه بدهیم که منظور ما از دین چیست؟ چه دینی و چه مذهبی و چه گرایشی را مدنظر داریم و این باید کاملا کاربردی تعریف بشود و اینجا تعریف نشده است. اگر تعریف نشود هر نقدی به دین می‌شود. ما می‌گوییم دین از نظر ما اسلام است و تعریفی و مفروضاتی برای خودمان داریم ولی از نظر دیگری که این بحث را برداشت می‌کنند، بودیسم هم دین است، هندوئیسم هم دین است و آگوست کنت هم که پدر جامعه‌شناسی بود، گفت من دین جدیدی آورده‌ام و بحث‌هایی مطرح کرد. لذا بسیاری از مکاتب خود را دین می‌دانند. مسیحیت و یهود و هرکدام از شاخه‌های آنها هم هستند. لذا کدام دین این حرف را می‌زند؟ این باید روشن شود.

شاید یکی از دلایلی که آقایان نصیری و زیدآبادی آن بحث‌ها را مطرح می‌کنند همین نکته است. یعنی اول اینکه «می‌خواهد» را ندیده‌اند و دوم دین تعریف عملیاتی نشده است که چه دینی بحث می‌شود. نکته دیگر که در همین ارتباط بحث می‌شود این است که وقتی می‌گوییم «می‌خواهد بشود»، به اسمای الهی توجه داریم. یعنی همه جا کامل‌ترین را در امر مقدس می‌بینیم یعنی آنجا که از قدسی بودن صحبت می‌شود، بحث صفات الهی هم مطرح می‌شود. یعنی قدرت، عدالت، بهداشت، ارتباطات، تکنولوژی و هر چیزی که شما بخواهید درمورد آن صحبت کنید، عالی‌ترین آنها در آنجاست. ایشان می‌گویند «می‌خواهد» و نمی‌گویند این‌طور است. یعنی از حرکت و دیالکتیک صحبت می‌کند یعنی از دینامیسم و دینامیک و پویایی صحبت می‌کند. ما در حرکت هستیم و مرتباً باید روایت‌های متعددی داشته باشیم. اینجا بحث تفسیر جدی می‌شود، تفسیر متناسب با نیازهای روز و متناسب با آگاهی و متناسب با مشکلاتی که هست، اهمیت دارد. آقای رئیسی می‌گوید «نظام ما می‌خواهد ارتباطش براساس دین تنظیم شود»، درصورتی که بخواهیم به این نکته توجه کنیم، کلی فلسفه پشت این جمله است. در نگاه آقای زیدآبادی و آقای نصیری وضعیت موجود دیده می‌شود. آقای رئیسی که نمی‌گوید مبنای قدسی همین است که ما هستیم. ایشان از حرکت صحبت و دعوت می‌کند و می‌گویند همه تلاش و نیرو و قدرت خود را به کار بگیریم و به آن سمت برویم و غایت را مشخص می‌کند. از نظر جهان‌بینی‌شناسی، تلئولوژیک (نه تلئولوژیک) بحث می‌کند و غایت را مشخص می‌کند، آن غایت دلالت بر دیالکتیک و بر حرکت می‌کند. بر سنتزسازی و بر تفسیر جدید هم دلالت می‌کند، اینها نکات مهمی هستند که باید به آن پرداخته شود.

نکته دیگری که علاوه‌بر حرکت پویا وجود دارد این است که وقتی از فقه پویا حرف می‌زنیم منظور ما همین است که از حرکت صحبت می‌کنیم و غایت ما مشخص است، غایت ما خدا و صفات و اسمای الهی است. افلاطون هم به لحاظ فلسفی این بحث را مطرح کرده است. بحث دیگری که مطرح می‌شود و صحبتی که آقای رئیسی دارد یک نظر ایدئولوژیک نیست. این بسیار مهم است و یعنی برخلاف برداشت‌هایی که می‌شود ایشان ایدئولوژیک بحث نمی‌کند و می‌گویند این شناخت دائما پویایی دارد و در حرکت است، ممکن است در بحثی که ما امروز انجام می‌دهیم

اندیشه



بررسی یک انتقاد به علامه حسن‌زاده آملی^(ره)

کتاب سلیم‌بن قیس و استناد به آن

فی تفاسیرهم،أحادیث متعدّده وبألفاظ مختلفه،ضمن السورة المذكورة.)

نقد کتاب السقیفه

اما مطلب آیت‌الله معرفت درباره کتاب سلیم که نقل پشیمانی معاذ هنگام مرگ از عدم‌حمایت از حضرت علی(ع) و نیز شرکت او در سقیفه را نقل کرده است: ترجمه شهید جانپاز محمد شهربانی از نوشته آیت‌الله معرفت در کتاب صیانة القرآن من التحریف:

«کتاب «سقیفه» سلیم‌بن قیس هلالی: سلیم (متوفای ۵۹۰ ه‍.ق) یکی از یاران خاص امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود و کتابی نوشت که در آن بعضی رازها و رموز امامت و ولایت گنجانده‌شده‌بودیکی از گرانبهارترین کتاب‌های شیعه در آن زمان به‌شمار می‌آمد، ولی [این پرسش مطرح است که] آیا این کتاب حاضر، همان کتاب اصلی است یا خیر؟

بیشتر پژوهشگران در این مساله تردید دارند، چون وقتی «حجاج» وی را تعقیب کرد، فرار نمود و به «ابان‌بن ابی‌عیاش (فیروز)» پناه برد [و در خانه او پنهان شد]. هنگام وفات-به پاس خدمات وی- کتابش را در اختیار او نهاد.

علامه حلی در «خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال» نوشت: «درنتیجه، این کتاب سلیم را کسی جز «ابان» یا از طریق او روایت نکرده است.»
ابان یکی از تابعین بود که با امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام مصاحبت داشته است. شیخ و ابن غضائری او را ضعیف شمرده‌اند. اصحاب، ابان را متهم کرده‌اند که به کتاب سلیم دست‌رازی کرده و از همین‌جا این آمیختگی [حج و باطل] پدید آمده است، تاجایی که اصلا این کتاب را به‌اوست داده‌اند. علامه‌تهرانی در «الذریعه»نوشت:شیخ‌یادوسند، کتاب سلیم را روایت می‌کند، و آیت‌الله خوئی(ره) می‌گوید: به‌هرحال، سند شیخ به کتاب سلیم ضعیف است؛ چرا که یکی از افرادسند «محمدبن علی صیرفی ایاسمینه» می‌باشد که شخصی ضعیف و دروغ‌پرداز است. ابن کتاب-در اختلاف‌نسخه‌ها-بازنده‌است‌وشایدمرورزمان و دست‌به‌دست شدن کتاب بین نسخه‌برداران-باوجود اختلاف آن-را در معرض دست‌درازی و[تغییرات] قرار داده است، همانند هر کتابی که مصنفش نتواند آن را منتشر کند، بلکه بعد از وفاتش به دست دیگران منتشر شود.

محقق‌تهرانی گفت:من از این کتاب‌نسخه‌هایی دیده‌ام که از سه جهت با هم تفاوت دارند:

اول: تفاوت در سند آغاز نسخه‌ها، دوم: تفاوت در چگونگی نظم و‌ترتیب احادیث وسوم: تفاوت در تعداد احادیث.

نکته قابل‌ذکر اینکه کتاب مزبور به‌صورت بریده‌بریده تنظیم‌شده‌و این عبارت در آن بسیار تکرار می‌شود: «و از ابان‌بن ابی‌عیاش از سلیم بن قیس هلالی، گفت: شنیدم:…» پس به‌احتمال قوی این کتاب تالیف ابان بوده که آن را به این سبک تنظیم و کم‌و زیاد کرده و طبق سلیقه مخصوص خودش مرتب کرده است.

درنتیجه، استناد کتاب-با شکل کنونی- به ابان بهتر است‌است‌انداذ آن‌به سلیم، هرچنداصل کتاب از او بوده است. بنابراین،مطالب‌رشت‌وناپسندیداناشناخت‌های که در آن وجود دارد، معلوم نیست از سلیم باشد.

در پایان، تحقیق ژرف و سخن بسیار سنجیده‌پیشوای محققان «شیخ مفید» را یادآور می‌شویم که گفت:

«اطمینانی به این کتاب نیست و به بیشتر مطالب آن نمی‌توان عمل کرد؛چراکه‌دستخوش‌تخلیط‌ودتلیس^۲

گشته‌است. پس شایسته‌است‌دین‌باوران‌از عمل کردن به همه مطالب آن بپرهیزند و بر آن اعتماد نکنند و

احادیث‌آن‌را روایت‌ننمایند.»(«مصنویت‌قرآن‌از تحریف،

محمد شهربانی، صص۱۹۵-۱۹۴)

پی‌نوشت‌ها:

۱. سورة النصر:

۲. قطب‌الدین راوندی، سعیدبن هبة‌الله، الخرائج و الجرائع، ۳جلد، موسسه امام مهدی عجل‌الله تعالی

فرجه‌الشریف، قم، چاپ اول،۱۴۰۹ ق.

۳. تدلیس؛ یعنی در روایت، عملی انجام‌شود که باعث

اعتبار آن گردد، ولی ذرواقع، حدیث به این خصوصیت

نیاشد، مثلا محدث، حدیث را از کسی نقل کند که او

را ندیده و یا اگر دیده حدیثی از او شنیده است و یا

افراد ضعیف را از سند حذف کند تا حدیث را در شمار

احادیث‌مقبول‌درآورد.(اقتباس از کاظم‌مدیرشانه‌چی،

درابة‌الحديث، ص۵۸)

۴. تصحیح‌الاعتقاد، ج۲؛ برای آگاهی بیشتر ر.ک:

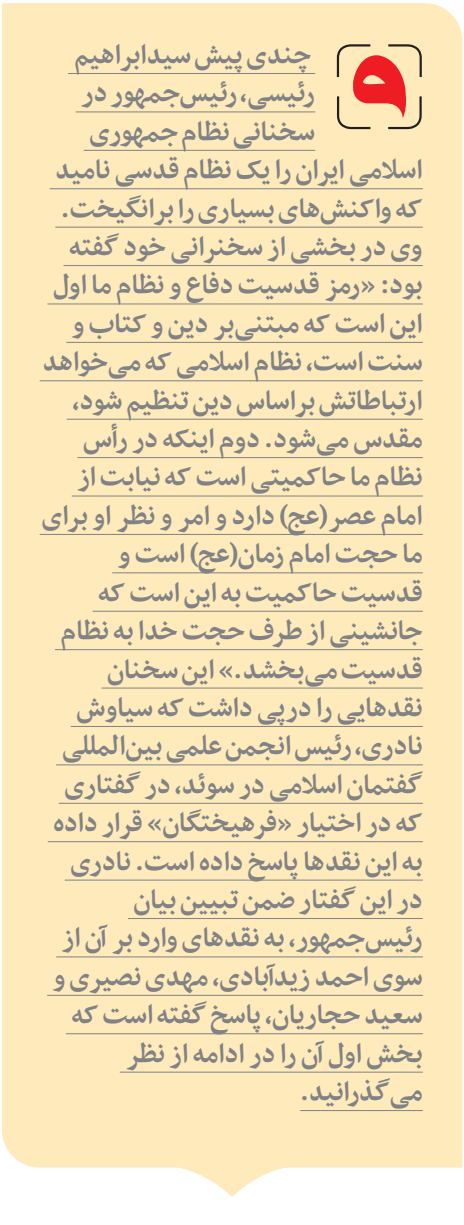
معجم رجال‌الحديث، ج۸، صص۲۲۸-۲۱۶ و ج۱، صص۱۴۲-۱۴۱؛ الذریعه، ج۲، صص۱۵۹-۱۵۲؛

مقدمه کتاب سلیم، صص۳۹-۱۹ و ابن‌ندیم، فهرست، ص۳۲. فن پنجم از مقاله ششم.



سیاوش نادری

رئیس‌انجمن‌علمی‌بین‌المللی‌گفت‌مان اسلامی سولند



دیدگاه جناب دکتر رئیسی دیدگاهی مهم و قابل دفاع است. از نظر تاریخ فکر بحثی را پیش می‌برد که نوع بشر یعنی کلیه جوامع پیگیر این بحث هستند. یعنی در تاریخ فکر نکته‌ای اساسی بوده است.

نقد‌هایی که وارد شده بیشتر به‌خاطر مشکلات ناشی از ابهام در مفهوم است که باعث شده آقای زیدآبادی و آقای نصیری چنین بحث‌هایی را مطرح کنند. دیدگاه دیگر از آقای حجابیان است که پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و نگاه ایشان با نگاه افرادی همچون نصیری و زیدآبادی یکی نیست؛ چراکه آقای حجابیان بحث را عمیق‌تر پیگیری می‌کند. یعنی به لحاظ محتوایی و کیفیت، بسیار تخصصی بحث می‌کنند اما همان‌جا هم ایشان یک نکته پیچیده را ندیده است ولی آقایان زیدآبادی و نصیری یک نکته ساده را ندیده‌اند. آقای رئیسی فرموده‌اند در راس نظام ما حاکمیتی است که نیابت از امام عصر(عج) دارد و قدسیت حاکمیت به این است که جانشینی از طرف حجت خدا، به نظام قدسیت می‌بخشد و نیروهای مسلح ما متفخر هستند که تحت فرماندهی معظم کل قوا خدمت می‌کنند.

اینجا شما نظریه‌ای را پیش می‌برید که ابعاد مختلف دارد و نمی‌توانید یک بخش را بیان کنید و بخش دیگری را نگویند. بحث عرش و فرش و قدسیت نظام که مطرح می‌شود، یعنی شما می‌خواهید آسمان را به زمین وصل کنید. یا آن کسی را که در زمین است، آسمانی کنید. در اینجا بحث هبوط مطرح می‌شود و برای اینکه این کار را انجام بدهید حتما باید پایگاهی زمینی داشته باشید که نزدیک‌ترین ارتباط را با آن برقرار کند. پایگاه زمینی شما فانی است چون در نگاه می‌که دارید، مطلق هر چیزی در آنجا و در اسمای الهی است. شما می‌خواهید به سمت عالم قدس حرکت کنید ولی با توجه به‌توان شما به‌عنوان یک انسان فانی، همان مرکز حقیقت برای شما اسباب و وسایلی فراهم کرده است. این اسباب و وسایل نمی‌توانند چیزی غیر از نمایندگی و غیر از کسی باشد که همه تلاش او فرماندهی این ارتباط باشد. هر جوری که این بحث را تفسیر کنید ازجمله اینکه فلسفی و کلامی و فقهی بحث کنید یا حتی اگر بحث‌های اجتماعی دیگری داشته باشید، حداقل این است که باید برای بحثی که پیش می‌برید در فرش و در زمین، مقر فرماندهی داشته باشید. چطور می‌توانید با نظام کاملی ارتباط برقرار کنید؟ حتماً باید آن نظام کامل جایی داشته باشد و این خط باید وصل باشد، درغیر این‌صورت نمی‌شود. باور به وجود داشتن این حلقه اتصال، یک بحث عقلانی در چارچوب همین نظر و تئوری است. حتماً باید پایگاهی باشد که بتواند این ارتباط را برقرار کند. آنجا فصل الخطاب است. یعنی نظری که بیان می‌شود و نکته‌ای که گفته می‌شود و تحولی که به وجود می‌آید و سنتزهایی که ساخته می‌شود، در جاهایی باید تصمیم‌نهایی روی آنها انجام شود و آن جایگاه-یعنی کسی که ما می‌گوییم نیابت از امام عصر دارد-باید تصمیم‌نهایی